

عنوان مقاله:

بررسی ریخت شناسانه داستان ضحاک بر اساس نظریه ولادیمیر پراپ

محل انتشار:

فصلنامه مطالعات نظریه و انواع ادبی، دوره 1، شماره 1 (سال: 1394)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسندگان:

خدیجه تندکی - کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری

ابراهیم استاجی - استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری

خلاصه مقاله:

تحلیل داستان از منظر تجزیه عناصر آن، امروزه یکی از نوین ترین شیوه های تحقیقات ادبی است که کانونتوجه بسیاری از دانش پژوهان قرارگرفته است. روش فرمالیست های روسی که منجر به مکتب ساختارگرایی شد، بر روش تحقیقات پژوهشگران موثر واقع شد. ساختارگرایان معتقدند که هر داستان را می توان به ساختار های روایی تجزیه کرد. مهم ترین چهره برجسته و تاثیرپذیر از روش فرمالیست ها، ولادیمیر پراپ است. پراپ با بررسی یک صدقه پریان، کوشید که قصه ها را به کوچک ترین واحد ساختاری آنها (سیویک خویش کاری) تجزیه کند و سپس این خویش کاریها را با کل داستان ارتباط دهد. از آن جا که قصه پریان از نوع فولکور و روایی است، پراپ به یک ساختار نهایی روایی دست یافت. یکی از بهترین شیوه های بررسی داستان های شاهنامه تحلیل ریخت شناسی آن هاست. در این گفتار، نگارندگان برآنند که ارتباط ساختارگرایی و روایت شناسی را با ریخت شناسی روشن سازند و در ادامه به بررسی و تحلیل ریختشناسانه داستان ضحاک در شاهنامه فردوسی، بر طبق نظریه پراپ بپردازند. در داستان ضحاک که یک داستان واحد به شمار می رود، پس از بررسی خویشکاری ها، سیویک خویشکاری اصلی و فرعی حاصل شد که نمودگارهای آن از نوع (کشمکش پیروزی) است؛ نیز چهار حرکت اصلی به دست داده از این نمودگار ها، با حرکت های نوعاول و دوم پراپ هماهنگی دارد و این موارد تطبیق داستان ضحاک را با نظر پراپ نشان میدهند.

کلمات کلیدی:

شاهنامه، داستان ضحاک، ساختارگرایی، ریخت شناسی، خویش کاری، پراپ

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/796239>

